

مقاله پژوهشی

تحلیل ابعاد و قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین المللی در اثر سلاح های

بیولوژیک با رویکردی به حقوق بشر

رباب رمضان پور^۱، مریم مرادی^۲ محسن دیانت^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تازیخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

چکیده: در بین جنگ افزارهای نوین، سلاح ها و فناوری بیولوژیک، بیشتر از سایر جنگ افزارها چه در عرصه مخصصات مسلحانه و چه در عرصه اقدامات تروریستی موردتوجه قرار گرفته است. سلاح های بیولوژیک، از راه های مختلف همچون انتشار در هوا، آب، مواد غذایی، انواع مواد کنسرو شده، اسباب بازی، پاکت نامه، هدایای پستی، حشرات ناقل در جوامع هدف به کار می روند. استفاده از این سلاح ها بر اساس هدف دشمن، تعیین می شود و تأثیر مستقیمی بر سلامتی بشر دارد. در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت برخورداری از حق بر سلامتی و حق برخورداری از زندگی سالم از حقوق مسلم شهروندی محسوب می شود، به نحوی که از شاخصه های اصلی جامعه ایده آل داشتن وضعیت سلامت مطلوب است. حق مزبور جایگاه استواری در اسناد حقوق بشری و عرف بین المللی داشته و می توان آن را در شمار اصول کلی مقبول نظام های حقوقی توسعه یافته دانست. این حق در شمار حقوق نسل دوم حقوق بشری بر شمرده شده است. نوشتار حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای صورت گرفته است، به بررسی این سؤال می پردازیم که جایگاه حق بر سلامتی در نظام بین المللی حقوق بشر چگونه است؟ بر اساس یافته ها، گمانه پژوهش حاضر این است که حق بر سلامتی در بسیاری از اسناد مهم بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و... موردتوجه قرار گرفته است. مبانی حق بر سلامت در نظام بین المللی حقوق بشر، ارزش های اخلاقی و حفظ حیثیت و کرامت انسانی می باشد.

واژگان اصلی: حق، سلامتی، نظام بین المللی، سلاح، بیولوژیک، حقوق بشر.

^۱. گروه حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم ایران.

robab.ramezanpour@iau.ac.ir

^۲. گروه حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول).

Maryam.moradi@iau.ac.ir

^۳. گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mdianat.pn@gmail.com

حق بهره‌مندی از عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی به‌عنوان حقی بنیادین توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند این حق به لحاظ محتوا، به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، لیکن ارتباطی نزدیک با سایر نسل‌های حقوق بشری دارد. حق بر سلامتی، طیف وسیعی از حق‌ها را گرد هم آورده است که هرکدام نقشی انکارناپذیر در تحقق آن ایفا می‌کنند. براین اساس، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مقوی، محیط‌زیست پاک و... مقدم ذات سلامتی انسان به شمار می‌روند. در کنار این مسئله، برخورداری از حق حیات بدون برخورداری از سلامتی جسم و روان بی‌معنا خواهد بود. همین واقعیت شاهی برای مدعاست که «کلیه‌ی مصادیق حقوق بشر، متقابلاً به هم وابسته، غیرقابل تفکیک از هم و مرتبط به هم می‌باشند.» تحقق عالی‌ترین استاندارد موردنظر ماده‌ی ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو به‌کارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی الحصول، رنگ واقعیت به خود خواهد گرفت. از این‌رو میزان تحقق و بهره‌مندی از این حق، رابطه‌ای مستقیم با سطح رشد و توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی با علم به این واقعیت، از دولت‌های عضو می‌خواهد تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت ارتقا میزان بهره‌مندی از این حق افزایش دهند.

در تروریسم زیستی همواره یک عنصر زیستی در ابزار مورد استفاده در حمله یا هدفی که به آن حمله می‌شود وجود دارد. با در نظر گرفتن این شاخص می‌توان تروریسم زیستی را اقدامی تلقی کرد که با بهره‌گیری از عناصر سمی یا زیستی خطرناک یا دیگر ابزار مخرب، باهدف ایجاد اختلال در نظم عمومی از طریق هراس افکنی یا اعمال تهدید، به انسان، محیط‌زیست انسان یا محیط طبیعی آسیب برساند (طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

اگر سلاح‌های بیولوژیک توسط تروریست‌ها استفاده شود، سیستم بهداشت و سلامت عمومی یعنی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها مملو از جمعیت می‌شود. بیوتروریست‌ها می‌توانند باعث تلفات توده عظیمی از شهروندان در هر کجای دنیا شوند. انتشار سلاح بیولوژیک می‌تواند برای

چند ساعت، چند روز و حتی هفته‌ها بدون آشکار شدن و ردیابی باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش: با توجه به پیشرفت قابل توجه در فناوری‌های نوین و استفاده آسان و کم‌هزینه از عوامل بیولوژیک و همچنین متأثر شدن حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی در اثر سلاح‌های بیولوژیک موجب شد تا سلاح‌های بیولوژیک برای افراد، گروه‌های افراطی و دولت‌ها جذابیت فراوان پیدا کرده و این‌گونه جرائم در قرن حاضر رو به فزونی نهاده، لذا این پژوهش از لحاظ نظری و با توجه به قوانین موجود در این زمینه و عدم پرداختن به این دسته از مسائل و چالش‌ها، می‌تواند در نوع خود حائز اهمیت بوده و به ناگفته‌های موجود در این زمینه بپردازد و از جنبه عملی برای جوامع کشوری در عرصه بین‌الملل و حتی نظام حقوقی بین‌الملل و ایران و علاقه‌مندان و پژوهشگران حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حوزه سلامت حقوق چه داخلی و بین‌المللی حائز اهمیت بوده چون آثار سوء ناشی از این‌گونه جرائم می‌تواند طیف وسیعی از جوامع انسانی را تا مدت‌های طولانی تحت تأثیر قرار داده و زیان‌های جبران‌ناپذیری متوجه افراد و دولت‌ها و ابعاد مختلف زندگی بشر قرار دهد.

اهداف پژوهش: هدف اصلی از این پژوهش بررسی، شناخت و تحلیل ابعاد و قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی در اثر سلاح‌های بیولوژیک است که با اهداف فرعی از جمله تبیین آثار مخرب استفاده از سلاح‌های بیولوژیک بر سلامت انسانی و تبیین راهکارهای موجود در حقوق بین‌الملل دنبال می‌شود.

سؤال پژوهش: سؤال اصلی در این تحقیق عبارت است از سلاح‌های بیولوژیک چه تأثیری بر حق بر سلامت در نظام بین‌الملل دارند؟ که در قالب دو سؤال فرعی: سلاح‌های بیولوژیک چه تأثیری بر سلامت انسانی دارد؟ و چه راهکارهایی در این زمینه می‌توان ارائه داد؟

پژوهش: در پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، ضمن تجزیه و تحلیل مسائل و ابعاد مختلف موضوع موردنظر از طریق سؤالات در نظر گرفته شده و نسبت به تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی اقدام گردید.

۱. پیشینه پژوهش

انصاری مهباری و دیگران (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «جایگاه حق بر سلامت در حقوق بین‌الملل» به بررسی علل و موانع عدم اجرای حق بر سلامت در ابعاد بین‌المللی از وظایف مهم سازمان‌های بین‌المللی مربوطه در این زمینه می‌باشد در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت

جهانی حق هر انسانی برای دسترسی به بالاترین سطح ممکن سلامتی عنوان شده است محقق شدن حق بر سلامت در تمامی کشورها نیازمند یک انسجام جهانی و بین‌المللی و همکاری تمامی دولت‌ها می‌طلبد که متأسفانه با پیشرفت فناوری و تکنولوژی کماکان اکثر کشورها در زمینه اجرای حق بلکه سلامت در کشور خود عاجز هستند که باید یک عزم جهانی در این زمینه ایجاد شود تا بتوان شاهد برقراری این حق در تمامی کشورها افزایش ارتقای سلامت در ابعاد بین‌المللی و جهانی بود.

کوکبی سقی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌الملل» می‌نویسد: تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر چالش‌هایی در مورد قابلیت دادخواهی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی که حق بر سلامت یکی از مهم‌ترین اجزای آن است وجود داشته این موضوع به کم‌اهمیت‌ترین انگاشته شدن این حقوق از سوی دولت‌ها انجامیده و به‌عنوان ابزاری برای توجیه تضییع حقوق مردم تبدیل شده است و اینکه قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام بین‌الملل بر اساس مطالعات موجود اسناد قانونی مرتبط در نظام حقوق بین‌الملل و تفسیرهای ارائه شده از سوی مراجع مختلف مورد بررسی قرار گرفته نتایج این مقاله بیانگر آن است که حق بر سلامت از نظر ماهیت حق قابل دادخواهی و بارها در دادگاه‌های بین‌المللی منطقه‌ای و ملی مورد دادخواهی قرار گرفته و دولت‌ها بایستی بر آوردن حداقل نیازهای سلامت افراد را به‌عنوان یک الزام اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته و همه امکانات اداری، مالی قانونی و قضایی در این راستا به کار گیرند.

جاوید و نیاورانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر» به حق بر سلامتی از زاویه دید حیات و حیثیت ذاتی انسان توجه نموده است، که حق‌های بشری به‌ویژه حق‌های مدنی و سیاسی پیش از آن که حق‌های قانونی باشد ارزش اخلاقی به شمار می‌روند؛ از این رو ما را از ارزش‌های حیات و حیثیت انسانی صحبت می‌کنیم این ارزش‌ها آنگاه که وارد قلمرو حقوق موضوعه می‌شوند از جنبه‌های اخلاقی صرف فراتر رفته و قابلیت ادعا و مطالبه می‌یابند؛ در تحلیل نهایی تمام این حق‌ها به یک قاعده بنیادین به نام حیات انسان می‌رسند.

کجباف (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر» بیان می‌کند که سلامت فردی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کرامت هر انسانی محسوب می‌شود از این رو حق بر سلامتی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام

بین‌الملل حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. به‌طور کلی در ارتباط با تأمین و تضمین این حق دارای مسئولیت‌های معینی می‌باشد واضح است که دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور کامل سلامتی و مطلوب بودن سلامتی افراد را تضمین می‌نمایند اما دولت‌ها می‌توانند شرایطی را فراهم آورند که در آن سلامتی افراد مورد حمایت قرار می‌گیرد و دستیابی به سلامتی برای افراد ممکن گردد حق بر سلامت جایگاه استواری و اسناد حقوق بشری معرف بین‌المللی دارد می‌توان آن را در شمار اصول کلی پذیرفته شده، نظام‌های حقوقی توسعه یافته دانست در این مقاله جلوه‌های حق بر سلامت در بین‌المللی به مهم‌ترین جلوه‌های حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر پرداخته است.

کراولی و داندو^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تنظیم سموم و تنظیم‌کننده‌های زیستی تحت کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی»^۲ به بررسی پوشش دوگانه ظاهری سموم و تنظیم‌کننده‌های زیستی توسط هر دو کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی (BTWC) و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) پرداخته است. در این پژوهش آمده است که چگونه کنفرانس‌های بررسی کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و بیولوژیکی (BTWC) در پرداختن به این چالش‌های بلندمدت شکست خوردند، و در پایان، مجموعه‌ای از توصیه‌ها را برای چگونگی تقویت هر دو رژیم در این زمینه ارائه داده‌اند.

موراکیانو و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «آلودگی، شرایط وخیم سلامتی و ایدئولوژی راست افراطی: داستان سه چالش معاصر» می‌نویسند: با بهره‌گیری از ریزجغرافیای آلودگی هوای محلی به این نتیجه رسیده‌اند که بین آلودگی هوا و حمایت از احزاب راست افراطی رابطه وجود دارد. آن‌ها بر این باورند که افزایش یک واحد در آلودگی منجر به افزایش ۳ درصدی احتمال حمایت از این احزاب می‌شود. این اهداف برای مبتلایان به بیماری‌های ریوی و سرطان قوی‌تر است

۱. Michael Crowley ↑, Malcolm Dando

۲. Regulation of toxins and bioregulators under the Chemical Weapons Convention and the Biological and Toxin Weapons Convention

الکساندرا و همکاران^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «آمادگی اتحادیه اروپا و پاسخ به تهدیدات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای»^۲ به نگرارش درآورده‌اند. نویسندگان در این مقاله به رویکرد اتحادیه اروپا در قبال سلاح‌های بیولوژیکی پرداخته‌اند که در این مقاله نویسندگان درصدد ارائه یک رویکرد حقوقی و قانونی برای کشورهای عضو کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیکی هستند که از تهدیدهای موجود جلوگیری کنند و در این مقاله به قدرت حقوقی و تحدیدات این کنوانسیون اشاره شده است.

گرانث داوسون^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «گزینه‌های حل و فصل صلح برای اوکراین: سلاح‌های کشتار جمعی»^۴ به بررسی پیشنهادها و طرح‌هایی پرداخته است که بدون ایجاد مشکلی در فضای امنیتی نظام بین‌الملل بحران ایجادشده روسیه و اوکراین را به روش دیپلماسی حل و فصل نماید. نویسنده در این نوشتار به قدرت نظامی و خطرناک مسکو اشاره‌ای علمی کرده است و مسکو را ملزم به متعهد بودن به کنوانسیون منع سلاح‌های کشتار جمعی کرده است که در صورت عدم پایبند بودن این کشور به قطعنامه یادشده شورای امنیت را مسئول جلوگیری از فاجعه انسانی معرفی نموده است. در این مقاله ضمن شباهت‌هایی نظیر بررسی کنوانسیون‌های منع سلاح کشتار جمعی، با پژوهش حاضر اختلاف‌های آشکار دارد. این اختلاف به این صورت است که در طرح فعلی به کاستی‌ها و مشکلاتی حقوقی کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی پرداخته‌ایم.

لیگ هویگان^۵ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه و چشم‌انداز کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی»^۶ به توجه امروزی کشورها و نظام بین‌الملل به اجرایی و عملی شده کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیکی اشاره کرده است. در این مقاله نویسنده به میزان و حجم عظیمی از این سلاح که در اختیار کشورها قرار دارد اشاره کرده و به این نتیجه دست‌یافته است که امنیت بیش از هرزمانی دیگر درخطر جدی قرار گرفته است. اما آنچه که موردتوجه پژوهش فعلی قرار دارد

۱. Alexandra Rempler Schmid et al

۲. EU preparedness and response to chemical, biological, radiological and nuclear threats

۳. Grant Dawson

۴. Peace settlement options for Ukraine: Third option essay - weapons of mass destruction

۵. Hoygan League

۶. Development and perspective of biological weapons convention

کاستی‌هایی می‌باشد که از نظر حقوق در کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک وجود دارد که باعث شده میزان تأثیرگذاری آن به حداقل ممکن برسد.

۲. تعاریف

۲-۱. حق بر سلامتی

حق بر سلامتی به معنای حق بر سالم بودن نیست. سالم بودن به فقدان بیماری دلالت دارد، اما حق بر سلامتی فراتر از صرف نبود بیماری است و دارای ابعاد مختلف جسمی، روانی و اجتماعی است؛ حقی است که مستلزم برخورداری از فرصت‌های برابر برای همه است تا بتوانند از امکانات، تسهیلات، خدمات و شرایط لازم برای تحقق این استاندارد برخوردار شوند (CESCR, 2000, paras:8-9). سلامتی به‌عنوان یک حق بشری اولین بار در سال ۱۹۴۶ در اساس‌نامه‌ی سازمان جهانی بهداشت به رسمیت شناخته شد. مقدمه‌ی اساس‌نامه، حق بر سلامتی را نیل به «حالت کامل بهزیستی جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً نبود بیماری یا ضعف» توصیف کرده است. هم‌چنین ماده‌ی یک آن نیز «تحقق عالی‌ترین سطح ممکن بهداشت برای همه‌ی افراد» را به‌عنوان رسالت اصلی سازمان معرفی می‌کند. قابل توجه است که مجمع سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۸ برنامه و دستور کار «سلامتی برای همه‌ی افراد در قرن بیست‌ویکم» را تدوین کرد.^۱

۲-۲. سلاح‌های بیولوژیک

سلاح‌های بیولوژیک عمدتاً همان سلاح‌هایی هستند که در عملیات‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تنها تفاوت در این سلاح‌ها این است که به‌جای مواد منفجره از عوامل بیولوژیک استفاده می‌شود که با انفجار سلاح این عوامل در هوا به‌صورت آئروسول و در آب به‌صورت قطره‌های ریز پخش می‌شوند. رعایت نکاتی مانند کنترل و تنظیم گرمای انفجار و همچنین کنترل و تنظیم موج انفجار الزامی است تا به‌وسیله آن عوامل بیولوژیک از بین نروند. نقطه تمایزی مهم پس از انفجار این است که این سلاح‌ها بو و رنگ خاصی نداشته و اثر آن‌ها هم

^۱ . WHO, "Health-For-All Policy For the Twenty-First Century", WHA Res.51/7,

تا مدت‌ها می‌تواند در محیط باقی بماند. باینکه کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد ممنوعیت توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیکی (بیولوژیکی)^۱ و سمی و در مورد انهدام آن‌ها شامل اقدامات متعددی برای رسیدگی به موقعیت‌هایی است که در آن کشورهای عضو در مورد فعالیت‌های هم‌تایان خود نگرانی دارند، تأکید کرده است. اما امروزه به‌ویژه از سال ۲۰۱۱ به بعد یعنی زمانی که بحران‌های عربی به‌نوعی توسط گروه‌های افراطی توسعه فعالیت خود را در غرب آسیا آغاز کردند استفاده و یا به عبارتی توسعه تولید و در اختیار قرار دادن این سلاح توسط کشورهای غربی به این گروه‌ها با شدت زیادی در حال افزایش قرار گرفت (بریفینگ،^۲ ۲۰۲۳: ۱۲).

۳. رهیافت‌های بین‌المللی در مواجهه با تروریسم زیستی

واکنش بین‌المللی در برابر تروریسم زیستی در سطوح ملی منطقه‌ای و بین‌المللی، ابعاد مختلفی دارد. بر همین اساس ابزارهای حقوقی متعددی به‌منظور مقابله با این پدیده در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است. (تاموشات، ۱۳۹۹: ۲۲۱).

۳-۱. تروریسم زیستی و اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌هایی است که در برابر حفظ محیط‌زیست به‌عنوان حق انسانی شهروندان و میراث طبیعی مشترک بشریت که آیندگان نیز در آن سهیم هستند، مسئولیت دارند. بر همین اساس حقوق محیط‌زیست بخشی از نظام حقوقی بین‌المللی است که تحت چارچوب‌های آن دولت‌ها در تلاش برای ساماندهی اقدامات خود در جهت تضمین هر چه بیشتر امنیت زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی هستند. آنچه در این مسیر اقدامات دولت‌ها را ساماندهی می‌کند، اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است.

اصول کلی حقوق محیط‌زیست شاخص‌هایی هستند که در هر وضعیت جهت‌گیری رفتار دولت‌ها را با در نظر گرفتن ارزش‌های زیست‌محیطی تعیین می‌کنند جامعه بین‌المللی در مواجهه با تروریسم زیستی به‌عنوان پدیده‌ای که ظرفیت بالایی در اثرگذاری منفی بر محیط‌زیست طبیعی و انسانی دارد، باید به این اصول توجه نشان دهد. در حقیقت آنچه لزوم برخورد جامعه جهانی با

۱ . Development, production and stockpiling of bacteriological weapons

۲ . Briefing

مسئله تروریسم زیستی را توجیه می‌کند اصول کلی حقوق محیط‌زیست است (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

۳-۲. توسعه پایدار و اصل همگرایی

تخریب محیط‌زیست در نتیجه مخاصمات مسلحانه عقبه تاریخی طولانی دارد و جهان، نمونه‌های بی‌شماری از آسیب‌های این‌چنینی و عواقب مهیب آن را شاهد بوده است. اولین نمونه عمده آسیب زیست‌محیطی، در قرن بیستم، در خلال جنگ جهانی اول و در نتیجه تخریب تأسیسات نفتی به وقوع پیوست (رضوی فرد، ۱۳۹۶). در این برهه زمانی، بریتانیا برای جلوگیری از دستیابی قدرت‌های معارض به میادین نفتی رومانی که غنی‌ترین منابع در قاره اروپا محسوب می‌شدند، اقدام به نابودی تأسیسات نفتی این کشور کرد. این منابع، بار دیگر در جنگ دوم جهانی هدف حمله قرار گرفتند. با این وجود، مسئله تخریب و سوءاستفاده از محیط‌زیست در زمان جنگ، اولین بار متعاقب جنگ ویتنام افکار عمومی را به خود مشغول کرد. آلودگی شیمیایی ناشی از به کارگیری علف‌کش‌های سمی عامل نازنجی که جنگل‌زدایی گسترده را به دنبال داشت. منتج به تدوین دو سند بین‌المللی کنوانسیون تغییرات زیست‌محیطی (۱۹۷۶) و پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) به عنوان ابزارهای حقوقی بین‌المللی برای مبارزه با آسیب‌های زیست محیطی مخاصمات شد. هرچند که بیش از یک دهه بعد، در جریان جنگ خلیج فارس، درحالی که آلودگی گسترده نفتی ناشی از تخریب عամدانه بیش از ۶۰۰ چاه نفت کویت از سوی نیروهای عراق، خسارات زیست‌محیطی بسیاری ایجاد کرده بود، کارآمدی این اسناد زیر سؤال رفت. تلاش‌های بین‌المللی بعدی از سوی سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی، در قالب تدوین قطعنامه ۳۷/۴۷ و مجموعه رهنمودهایی برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، صورت گرفت اما مخاصمات مسلحانه، همواره به عنوان منشأ آسیب‌های قابل توجه به محیط‌زیست باقی ماند.

باید این نکته را در نظر داشت که تنها اثرات مستقیم جنگ نیستند که محیط‌زیست را تخریب می‌کند. بقایای سلاح‌های جنگی، به خصوص سلاح‌های حاوی مواد شیمیایی خطرناک، عامل آلودگی منابع غذایی و آب است. اثرات ثانویه ناشی از ورود پساب حاوی این نوع آلودگی‌ها به منابع آب می‌تواند از آلودگی اولیه بسیار آسیب‌زننده‌تر باشد. پایداری آثار منفی زیست محیطی مخاصمات گاه تا صدها سال ادامه می‌یابد. برای مثال جنگل‌زدایی در نتیجه استفاده عامل نازنجی، پدیده‌ای نیست که با اقدامات اصلاحی در کوتاه‌مدت قابل جبران باشد. افزون بر این،

آلودگی ناشی از سلاح‌های جنگی و بقایای مهمات، از طریق آب، خاک و هوا، راه خود را به عرصه‌های جدید جغرافیایی باز می‌کند و در مواردی حتی تخمین گستره آلودگی هم امکان‌پذیر نیست.

۴. حق بر سلامتی در ساختار حقوق بشر

در میان قواعد حقوق بشردوستانه، برخی اصول وجود دارند که دارای اهمیت و اقتدار خاصی هستند. این اصول معرف ساختار حقوقی، حقوق بشردوستانه هستند که ریشه در اصل کرامت انسانی و انسانیت دارند. محور اصلی این اصول، تقدم و اولویت و حرمت انسان‌ها و حمایت از آن است که اهمیت آن‌ها را تا شأن قواعد آمره ارتقا داده است. این اصول جهان‌شمول بوده و حمایت از آن هدف اصلی حقوق بشردوستانه است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۵۸). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در سال ۱۹۴۹ میلادی در ماهیت رأی کانال کورفو «ملاحظات اساسی بشردوستانه» را به‌عنوان اصول کلی به رسمیت شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل عمومی عنوان می‌نماید. همچنین دیوان به تفصیل در دو نظریه مشورتی خود در قضایای «مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای» (۱۹۹۶) و مشروعیت «ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین» (۲۰۰۴) و رأی توافعی خود در قضیه «فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو» (۲۰۰۵) به موضوعات بشردوستانه پرداخته است (رضوی فرد و نوروزی، ۱۳۹۶: ۳). دیوان، اصول تفکیک، منع کاربرد سلاح‌های غیرقابل تمیز منع ایجاد درد و رنج غیرضروری بر رزمندگان و نامحدود بودن حق دولت‌ها در انتخاب روش و کاربرد تسلیحات را به‌عنوان اصول بنیادین تشکیل‌دهنده زیربنای حقوق بشردوستانه برمی‌شمارد (البرزی ورکی، ۱۳۸۳: ۴۵۸).

علاوه بر این قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه برای همه کشورها صرف‌نظر از اینکه آن‌ها کنوانسیون‌های شامل آن مقررات را تصویب کرده‌اند یا نه، الزام‌آور است. به خاطر اینکه آن‌ها اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند. حمایت کامل‌تر از ماهیت غیرقابل تخطی اصول و قواعد حقوق بشردوستانه در بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ میلادی نیز صورت گرفته است. مقررات این معاهده در خصوص شرایط خاتمه یا تعلیق معاهدات درباره معاهدات حقوق بشردوستانه اعمال نمی‌شود. درنهایت آنچه مسلم است اینکه اصول حقوق بشردوستانه از نظر گستره، عام‌الشمول و از جهت درجه اولویت و قدرت الزامی در زمره قواعد آمره هستند (ساعد، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

اصولاً یکی از انواع بارز و برجسته که موجب نقض قواعد مختلف حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه می‌شود و می‌تواند جنایت جنگی به شمار رود، استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله سلاح‌های بیولوژیک است که این ممنوعیت خود از ویژگی‌های مخرب و فاجعه‌بار این گونه سلاح‌ها ناشی می‌شود. بنابراین نقض شدید قوانین و عرف‌های قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه جنایت جنگی بوده و در نهایت منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شود؛ همان‌طوری که شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان داشته که جنایات جنگی باید: (۱) شامل نقض یک قاعده حامی ارزش‌های مهم باشد و آثاری فاحش برای قربانی به بار آورد؛ (۲) نقض باید تخلف از یک قاعده حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد؛ (۳) قاعده باید ماهیتاً عرفی باشد یا چنانچه مربوط به حقوق قراردادی است، باید شرایط لازم را داشته باشد؛ (۴) به موجب حقوق عرفی یا قراردادی، نقض قاعده باید منجر به مسئولیت کیفری فردی شخص خاطی گردد. به عبارت دیگر رفتار تشکیل‌دهنده یک نقض جدی حقوق بین‌الملل باید جرم انگاری شده باشد (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲؛ سلیمی ترکمانی ۱۳۹۴: ۷۹).

همچنین برای اینکه جرایم کیفری منجر به جنایت جنگی شوند، باید ارتباطی میان عمل مزبور با یک مخاصمه مسلحانه وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، برای اینکه کاربرد سلاحی منجر به جنایت جنگی شود آن سلاح باید در چارچوب یک مخاصمات مسلحانه به کار گرفته شود. البته تا مدت‌ها نقض حقوق بشردوستانه ارتكابی در جنگ‌های داخلی جنایت بین‌المللی محسوب نمی‌گردید، اما در سال ۱۹۹۵ میلادی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان داشت که استفاده از سلاح‌هایی که موجب درد و رنج بیهوده می‌شوند، منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شود خواه این امر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا در مخاصمات مسلحانه داخلی رخ داده باشد (کاسسه، ۲۰۰۸: ۸۸).

با بررسی و تحلیل عناصر مادی جرم جنایت علیه بشریت و بیوتروریسم، می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در این جرایم مورد هدف قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود، حیات انسان‌هاست. حیات انسان ارزشمندترین دارایی اوست و صیانت از این دارایی بی‌همتا یکی از ضروریات است. حیات انسان با مسائل و عناصر گسترده‌ای پیوند خورده که یکی از این عناصر که ارتباط مستقیم با حیات انسان دارد، مسئله سلامتی است. سلامتی انسان یکی از لوازم اولیه برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود. و در عین اینکه برای بهره‌مندی از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها ضرورت دارد، تحقق و بهره‌مندی از خود این حق نیز در گرو وجود عنصر

دیگری همچون امنیت است (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۳۸). امنیت انسانی متضمن برخورداری از یک زندگی سالم، استاندارد و مناسب است و در وسیع‌ترین مفهوم به معنای مطمئن بودن هر فرد انسانی به حفاظت و حمایت از موجودیت و شخصیتش در برابر تمامی اشکال خشونت، بدرفتاری و اعمال غیرانسانی و رهایی از نیاز و هراس و زندگی همراه با کرامت است و دارای چهار ویژگی اصلی است که عبارت‌اند از: ۱) امنیت انسانی دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخص و در هر جایی مربوط می‌شود؛ ۲) عناصر آن به هم پیوسته‌اند و تهدید به آن در یک قسمت از جهان سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌کند؛ ۳) پیشگیری قبلی از تهدید علیه این، امنیت از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن سهل‌تر است؛ ۴- دارای مفهوم «فردمحور» است (آرش پور و جعفری، ۱۳۹۴: ۸۶؛ فن تیگرشروم، ۱۳۸۹: ۲۳).

می‌توان گفت که اصل امنیت انسانی، از اصول مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است و دارای ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی است. بنابراین امنیت انسانی چه ا کار زمان صلح و چه در زمان جنگ، شامل توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، حمایت از محیط‌زیست، خلع سلاح احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون است (امامی و شوپای جوبیاری، ۱۳۹۵: ۵۸).

امنیت انسانی هفت مقوله اصلی و مهم از جمله امنیت غذایی (دسترسی به غذای سالم)، امنیت بهداشتی و سلامت (حق بر سلامت و حمایت از بیماران)، امنیت شخصی (حمایت فیزیکی در برابر شکنجه جنگ و حملات جنایی)، امنیت اجتماعی (بقای فرهنگ‌های سنتی)، امنیت اقتصادی (رهایی از فقر)، امنیت سیاسی (آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی) و امنیت زیست‌محیطی (حمایت در برابر آلودگی‌ها) را در برمی‌گیرد (تاموشات: ۱۳۹۱: ۱۵۰؛ فلاحی و همکاران ۱۳۹۴: ۱۳۱). از حیث هر یک از ابعاد مختلف مادی و معنوی نیز مقررات مختلفی در اسناد حقوق بشری جهت تضمین امنیت انسانی مقرر شده‌اند که به عنوان نمونه در این ارتباط می‌توان به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره)، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و به طور خاص کنوانسیون بین‌المللی ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۵) اشاره نمود که جهت صیانت از امنیت انسانی به تصویب رسیده‌اند در نتیجه بر اساس اسناد فوق، هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و با هیچ کس نمی‌توان رفتاری ظالمانه یا برخلاف شأن انسانی داشت. با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان گفت که سلامتی و امنیت، سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و رشد و

رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. لذا حق حیات، شایسته سلامتی، امنیت، آزادی است و هرگونه رفتار ظالمانه، خلاف شأن انسانی افراد و ممنوع است (فلاح سیاه خاله سر و فضائی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

بنابراین استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی در کلیه ابعاد آن، نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و بیوتروریسم به‌طور خاص ناقض یکی از حقوق بنیادین آن یعنی حق بر سلامتی است که منجر به لطمه آسیب و صدمه شدید به تمامیت جسمانی و روانی افراد غیرنظامی شده و در ابعاد بسیار گسترده آسیب‌های غیرانسانی وارد می‌سازد که این آسیب‌ها باعث ایجاد درد و رنج فراوان جسمی و روانی افراد می‌گردد؛ به‌طوری‌که وجدان جامعه بشری به‌هیچ‌وجه آن‌ها را قبول ندارد. از سویی دیگر، کاربرد این گونه سلاح‌ها می‌تواند تماماً سازمان‌یافته و متعاقب یک طرح منظم و باقاعده و بر مبنای سیاست مشترک باشد. ازاین‌رو، استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی به‌شرط تحقق پیش‌شرط‌های لازم، می‌تواند جنایت علیه بشریت قلمداد شود. همچنین اگر کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به‌قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، مذهبی یا نژادی نیز همراه شود در آن صورت، جنایت نسل‌کشی نیز تلقی می‌گردد.

۵. تأثیر سلاح‌های بیولوژیک بر ابعاد حق بر سلامتی

۵-۱. حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی

ابعاد حق بر سلامتی را در چهار مورد می‌توان خلاصه کرد: اول اینکه؛ حق بر سلامتی به‌عنوان حقی فراگیر و عام‌الشمول شناخته‌شده است. هرگاه از سلامتی صحبت می‌شود اولین و ابتدایی‌ترین مفهومی که از آن به ذهن می‌رسد، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و مراکز بهداشت درمانی است (شجاع ۱۳۸۷: ۷۴).

لذا مراقبت‌های بهداشتی اولیه و ضروری و در اختیار داشتن این امکانات عنصری مهم در تحقق حق بر سلامتی هستند؛ اما در کنار آن‌ها عناصر دیگری نیز وجود دارد که در راه نیل به حصول کامل حق بر عالی‌ترین استاندارد سلامتی جسم و روان اهمیتی مضاعف دارند که کمیته از آن‌ها تحت عنوان بنیادهای تعیین‌کننده سلامتی^۱ نام می‌برد.

^۱ . Underlying Determinants of Health

(Cescr.2000para4.bettgher8cuindonT2000-pp:522-24)؛ ازجمله این بنیادها می‌توان به غذای کافی و مقوی، محیط‌زیست سالم و پاک، آب آشامیدنی و بهداشتی و سالم محیط کاری ایمن و دسترسی به داروهای اساسی اشاره کرد (Grover.2009, para8). این بعد از حق بر سلامتی اما تحت تأثیر سلاح‌های بیولوژیک قرار گرفته و چالش‌های زیادی را به همراه داشته است.

دیدن انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب. معمولاً گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی فرقه‌های مذهبی افراطی یا اشخاصی که توانایی تولید سلاح‌های بیولوژیک را دارند، بیوتروریسم نام می‌گیرند. به‌طور مثال جنبش استقلال‌طلب قبیله مائومائو در کنیا که از سم برای کشتن مأموران حکومت استعماری بریتانیا استفاده کردند (مظفری‌زاده، ۱۳۹۵، ۱۰۸۰).

طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی درحال حاضر بیش از ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید سلاح‌های بیولوژیک را دارند، تولید مواد بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده، به‌طوری‌که به‌عنوان بمب اتمی فقرا نامیده شده است.

در قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت به این نکته اشاره کرده که تمامی کشورها را ملزم به وضع قوانین مؤثری برای مقابله با این نوع خاص تروریسم هستند. ضرورت لزوم پیش‌بینی تدابیر جدید در راستای مقابله با بیوتروریسم، به‌طور خاص، پاسخ‌گو نبودن مفاهیم سنتی آن جهت مقابله با پدیده‌های جدید مخرب است؛ زیرا ظهور پدیده‌های نوین بزهکاری با عناصر و امکانات جدید، ازجمله ظهور جرائمی نظیر بیوتروریسم باعث گردیده است حقوق سنتی نتواند مبارزه موفق را با این پدیده‌های نوظهور به عمل آورد. از طرفی باعث مسائل حقوقی و قضایی مرتبط با اقدامات بیوتروریستی دارای دو جنبه یا بعد ملی و بین‌المللی است. (یکرنگی و واحدی، ۱۳۹۸، ۱۶۲)، بنابراین تمامی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی ملزم هستند راهبردهایی را در قالب قوانین کیفری برای مقابله با این نوع خاص از تروریسم پیش‌بینی نمایند. ازاین‌رو، لازمه پیش‌بینی راهبردهای مقابله با این نوع خاص از تروریسم شناسایی آن در وهله نخست و سپس تمایز آن از مفاهیم مشابه است، پس ازاین شناسایی است که امکان پیش‌بینی یا تحلیلی تدابیر راهبردهای حقوقی در سطح بین‌المللی و داخلی وجود خواهد داشت.

در هر دو مورد جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم این عوامل بیولوژیک با عنوان تسلیحات ویروسی، باکتری‌ها و سمی باعث کشته شدن، ناتوانی و مصدومیت در افراد، احشام و آسیب به

محصولات کشاورزی می‌شوند، اما وجه ممیزه این دو آن است که در بیوتروریسم وضعیت جنگی موجود نیست اما، استفاده از این موارد به‌عنوان سلاح در جنگ، آن جنگ را به جنگی بیولوژیکی تبدیل می‌کند. بنابراین در این مورد، جنگ بیولوژیک عبارت است از استفاده از عوامل بیولوژیک اعم از باکتری‌ها، ویروس‌ها، گیاهان، حیوانات و فرآورده‌های آن‌ها به‌منظور اهداف خصمانه (جلالی و آقار، ۱۴۰۲: ۲۵).

۵-۲. عدم اقدامات یا آزمایش‌های پزشکی اجباری و تحمیلی

حق بر سلامتی دربردارنده‌ی یکسری آزادی‌هاست؛ لذا در این بخش اشاره به عدم انجام آزمایش‌ها یا معالجات پزشکی اجباری و بدون رضایت فرد دارد^۱ (CESCR, 2000, para:8). با پیشرفت‌های علمی که در حیطه‌ی پزشکی و بهداشت به وقوع پیوسته است؛ اما اثرات منفی نیز بر سلامت انسان برجای می‌گذارد؛ خصوصاً انجام انواع آزمایش‌های بالینی^۲. بنابراین هرگونه آزمایش و تحقیق پزشکی اجباری می‌بایست ممنوع شمرده شده و رضایت فرد در هر مورد باید از قبل اخذ شود (Kloss, 2005, pp: 56-58). این مسئله در ماده‌ی ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هم موردتوجه و تأکید قرار گرفته است.

۵-۳. حق زندگی در جامعه و محیطی سالم

حق بر سلامتی شامل استحقاقات^۳ فردی است؛ انسان حق دارد که در محیط و جامعه‌ای سالم و امن زندگی کند، چراکه برخورداری از محیط زندگی و اجتماع سالم، لازمه‌ی رشد بالنده‌ی انسان است. دولت‌ها موظف هستند تا حد امکان محیطی سالم را فراهم کنند، تا شهروندان آن‌ها بتوانند در چنین محیطی، حیاتی همراه با سلامتی و رفاه داشته باشند. به بیان دیگر، «دولت مکلف است برای تحقق بهداشت و سلامت همگانی سیستم بهداشتی برنامه‌ریزی شده، مؤثر و یکپارچه‌ای را در سطح ملی تأسیس نماید. بنابراین در قلب حق بر بهره‌مندی از استاندارد بالای سلامتی، یک سیستم سلامتی مؤثر و یکپارچه قرار دارد که باید دربرگیرنده‌ی برنامه‌های

^۱ . Non-Consensual Medical Treatment

^۲ . Clinical Trials

^۳ . Entitlements

مناسب برای مراقبت‌های بهداشتی و همچنین تحقق زیرساخت‌های تعیین‌کننده‌ی حق بر سلامتی باشد» (شجاع، ۱۳۸۷: ۷۷).

پس از پایان جنگ جهانی دوم دولت‌ها و به‌خصوص دولت‌های کشورهای توسعه‌یافته این فرصت را یافتند تا به‌دوراز سایه جنگ، بر رشد و توسعه در حوزه‌های اقتصادی، عملی و فناوری تمرکز کنند. حرکت پرشتاب علوم و فناوری‌ها در دهه‌های اخیر و تحولات سیاسی اجتماعی موجب شده تا دیگر دولت‌ها تنها متولی گسترش این موارد نباشند با شکستن انحصار دولتی علوم و فناوری‌ها و دسترسی بازیگران غیردولتی به آن‌ها، امروزه مسئله دستیابی گروه‌های تروریستی غیردولتی به فناوری‌های سلاح‌های بیولوژیک و به‌کارگیری آن، تهدید بزرگی در برابر جامعه بین‌الملل و امنیت ملی دولت‌ها است. عدم پابندی این گروه‌ها به الزامات بین‌المللی و عدم پاسخگویی در برابر تبعات اقدامات احتمالی آن‌ها در این حوزه، خطر این بازیگران را دوچندان می‌کند. مسئله بازیگران غیردولتی وجه تمایز تروریسم زیستی از مفهوم عام تروریسم و دیگر اقسام آن محسوب می‌شود، چراکه برخلاف تروریسم زیستی که به‌طور تاریخی اغلب مصادیق آن به‌طور مستقیم از سوی دولت‌ها یا قدرت‌های حاکمه به وقوع پیوسته است، تروریسم در معنای عام علی‌القاعده محصول عمل مستقیم دولت نیست، تا جایی که برخی نویسندگان، این مسئله را به‌عنوان یکی از خصیصه‌های اساسی مفهوم تروریسم ذکر کرده‌اند (ولی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷).

وقایعی همچون آلوده کردن بوفه سالاد رستوران‌ها در اریگان به عامل سالمونلا تیفی موریوم در سال ۱۹۸۰ از سوی فرقه مذهبی رانجیش که منجر به بستری شدن ۴۵ تن از ۷۵۱ مورد آلوده به این باکتری شد و حمله فرقه مذهبی اوم شینریکیو با گاز سارین به مترو توکیو در سال ۱۹۹۵، مصادیقی از استفاده گروه‌های غیردولتی از تروریسم زیستی در راستای هراس افکنی در جهت رسیدن به اهدافشان است (ساعد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶).

پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده با موج حمله تروریستی دیگری این بار با استفاده از یک عامل بیولوژیک روبه‌رو شد. باکتری عامل سیاه‌زخم که به‌طور عمدی از طریق سیستم پستی پخش شده بود منجر به ۲۲ مورد ابتلا به سیاه‌زخم شد که در ۵ مورد منجر به مرگ شد. در پی ارسال نامه‌های آلوده به عامل سیاه‌زخم به تعدادی از خبرنگاران و سناتورهای دموکرات رسانه‌های آمریکا حمله را به گروه‌های مسلمان افراطی و به‌طور خاص القاعده نسبت دادند اما با انجام بررسی‌های بیشتر اداره تحقیقات فدرال در نهایت یک دانشمند میکروب‌شناس

آمریکایی را مظنون اصلی این حمله معرفی کرد.

برجسته‌ترین نمونه توسل دولت‌ها به تروریسم زیستی در این دوره را می‌توان در جنگ ایران و عراق مشاهده کرد. علاوه بر بمباران شیمیایی جبهه‌های نبرد در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، شهرهای ایران به دفعات از سوی ارتش عراق به وسیله بمب‌های شیمیایی مورد حمله قرار گرفتند. برآورد می‌شود که این حملات تنها در شهر سردشت حدود ۸۰۰۰ مصدوم و ۱۳۰ کشته برجای گذاشته باشد. استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در این جنگ که از سوی متخصصان سازمان ملل متحد تأیید شده است منجر به مصدومیت بیش از ۱۲۰ هزار تن از شهروندان و نظامیان در ایران شد. شمار حقیقی افرادی که در این حملات تحت تأثیر عوامل شیمیایی قرار گرفته‌اند، به جهت طولانی بودن زمان بروز علائم در برخی موارد قابل تشخیص نیست (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۵۸).

آنچه مسلم است، این است که تبعات خارج از کنترل و عوارض هولناک به کارگیری تروریسم زیستی که با نگاهی اجمالی به تاریخ مشهود است، نتوانسته گروه‌های معارض را از توسل به این دست سلاح‌ها منصرف کند و امروزه - هرچند تمایز بین وجوه تهاجمی و دفاعی در این حوزه مشکل است - نه تنها دولت‌ها به توسعه برنامه‌های تحقیقاتی خود در حوزه تهاجمی ادامه می‌دهند، بلکه با تسهیل دستیابی به سلاح‌های زیستی، بازیگران غیردولتی هم می‌توانند تهدیدات قابل ملاحظه‌ای در این زمینه ایجاد کنند (ساعد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

۴-۵. رعایت اصل عدم تبعیض در توزیع امکانات و خدمات بهداشتی

رعایت اصل عدم تبعیض و انصاف در توزیع مناسب و عادلانه‌ی امکانات و خدمات بهداشتی نقش مهمی در نیل به استاندارد بالاتر سلامتی دارد. اصل منع تبعیض، از اصول بنیادین در نظام بین‌المللی است و در ماده‌ی (۲) مورد اشاره قرار گرفته است، دولت‌های عضو باید حقوق مندرج در میثاق را بدون تبعیض از هر حیث برای همه تضمین کنند. در این میان برخی گروه‌ها مستحق رفتار ترجیحی نیز می‌باشند و نیازهای آن‌ها باید مورد توجه خاص قرار گیرد از جمله زنان، کودکان، افراد سالخورده و معلولان (Forman, 2007, p:113).

برخورد بالقوه با سلاح‌های بیولوژیک به‌خوبی توسط جزوه‌ی سازمان بهداشت جهانی، چاپ‌شده در سال ۱۹۷۰، توضیح داده شده است. حدس زده می‌شود که اگر ۵۰ کیلوگرم از اسپورهای باسیلوس آنتراکس در یک انتشار خطی به طول ۲ کیلومتر بر روی یک مرکز جمعیتی ۵۰۰۰۰ نفره‌ی حفاظت‌نشده، پخش شود؛ در شرایط ایدئال هواشناسی می‌تواند در منطقه‌ای بزرگ‌تر از وسعت ۲۰ کیلومتر مربع منتشر شود و ۱۲۵۰۰۰ نفر را در معرض ابر بیولوژیک قرار

دهد. اگر عامل استفاده شده فرانسیسلا تولارنسیس باشد، تعداد افراد مرده یا ناتوان شده بیش از ۱۲۵۰۰۰ نفر خواهد بود.

بنابراین اگر از سلاح‌های بیولوژیک در شرایط درست آب و هوایی استفاده شود، واقعاً می‌تواند به‌عنوان یک جنگ‌افزار کشتار جمعی به کار رود. به علاوه به خاطر اثرات گسترده روی جمعیت هدف، عوامل بیولوژیک می‌توانند باعث فشار مشخص و شدیدی بر روی سیستم مراقبت پزشکی شود. تعداد خیلی زیاد بیماران و نیاز به مراقبت ویژه می‌تواند باعث اتلاف شدید منابع پزشکی گردد. داروها و واکسن‌های مورد نیاز معمولاً در داروخانه‌های معمولی وجود ندارند. افراد کادر پزشکی و پرسنل آزمایشگاهی ممکن است به مراقبت‌های اضافی نیاز داشته باشند. نمونه‌برداری از اجساد و جمع‌آوری باقی‌مانده‌ها می‌تواند باعث بروز خطرات غیرمعمول گردد. پاسخ پزشکی به تهدید یا استفاده از سلاح‌های بیولوژیک می‌تواند با توجه به سابقه‌ی پزشکی افراد، پیش از مواجهه با عوامل، تعیین شود. اگر قبل از برخورد با عوامل آلوده‌کننده، ایمن‌سازی فعال یا پیشگیری با آنتی‌بیوتیک صورت گرفته باشد ممکن است باعث جلوگیری از بروز بیماری شود.

برای مقابله با عوامل بیولوژیک ایمن‌سازی فعال خیلی مؤثرتر است و احتمالاً برای حفاظت نیروهای نظامی در مقابل عوامل بیولوژیک طیف گسترده‌ای از واکسیناسیون انجام گردد. حتی بعد از مواجهه و پیش از بروز علائم نیز استفاده از ایمن‌سازی فعال یا ایمن‌سازی پاسیو با داروهای آنتی‌بیوتیک یا داروی ضد ویروس، می‌تواند به‌عنوان پیش‌درمانی منجر به کاهش علائم بیماری گردد. پس از شروع بیماری فقط تشخیص و درمان عمومی یا اختصاصی برای آن عامل خاص می‌تواند مؤثر واقع شود. واکسن‌ها و آنتی‌توکسین‌های خوبی در مقابل بسیاری از عوامل سلاح‌های بیولوژیک وجود دارد و برای موارد باقی‌مانده هم تحقیقات وسیعی در حال انجام است.

نتیجه‌گیری

تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای محدود ساختن سلاح‌های بیولوژیک به‌عنوان راهکاری در جهت دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیگر اهدافی که محرک چنین حملاتی می‌شود، در طول زمان دستخوش تحولات بسیاری بوده و همواره با ابتکارات نوآورانه‌ای همراه بوده است که گاه، در خدمت اجرای هر چه بهتر اراده جامعه جهانی عمل کرده‌اند و گاه انتظارات را در این حوزه برآورده ن ساخته‌اند. توجه به نقاط ضعف نظام حقوقی حاکم فعلی در زمینه

تروریسم زیستی، بدون شک اصلی‌ترین نکته در تضمین کارایی بهتر این نظام و یافتن راه‌حل‌هایی در این جهت است. که مهم‌ترین تأثیر آن بر سلامتی بشر است.

حق بر سلامت و بهداشت عمومی یکی از مواردی است که در اسناد مختلف حقوقی و حقوق بشری به آن اشاره شده است. پس بنابراین ما علاوه بر قوانین و مقررات در زمان جنگ یک سری قوانین و مقررات داریم که بر مبنای آن این حمله بیولوژیکی را ممنوع اعلام نمود که از مهم‌ترین ابعاد زندگی بشر که در به کارگیری عوامل بیولوژیکی مورد تهدید قرار می‌گیرند همان بهداشت و سلامت و حیات بشری است. در خصوص بحث حق برخورداری بشر از بهداشت و سلامت می‌توانیم به منشور ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر در بند ۱ و ماده ۲۵، میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در بند ۴ ماده ۵ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۱۲، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در ماده ۱۲، کنوانسیون حقوق معلولان ماده ۲۵ و حقوق کودکان در مواد ۲۴ و ۲۵ به موضوع حق ذاتی بشر بر سلامت و بهداشت عمومی تأکید دارند، پس بنابراین یک حمله بیولوژیکی نقض بهداشت و سلامت عمومی می‌باشد، همان‌طور که در حال حاضر مهم‌ترین موضوعی که در خصوص ویروس کرونا مورد تهدید قرار گرفته، بحث سلامت و حیات بشری است.

بی‌شک حق بر سلامتی، بعد از حق بر حیات، ضروری‌ترین گونه‌ی شناسایی شده حق‌های بشری است. چنانچه موضوع اصلی یک حمله بیولوژیکی «انسان» باشد، آنچه در جامعه به‌طور مستقیم مورد آسیب قرار می‌گیرد همانا بهداشت و سلامت عمومی است. در این موارد تهدیدهای بیولوژیکی از گذر انتشار بیماری‌های همه‌گیر و عفونی نظیر عامل بیماری سیاه‌زخم ارتکاب می‌یابد. این امر در وهله نخست نشان‌دهنده نیاز به بهداشت عمومی در سطح جهانی و سپس در سطح داخلی، ضرورت کاربست و توسعه زیرساخت‌های درمانی -بهداشتی کارآمد و پویا در پاسخ‌دهی به آن را آشکار می‌سازد.

منابع و مأخذ:

- البرزی ورکی، مسعود (۱۳۸۳). نقد و بررسی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به تهدید با توسل به سلاح‌های هسته‌ای، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۱
- آرش پور، علیرضا و سیده منیژه جعفری (۱۳۹۴). نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۸)، تابستان.
- امامی، مسعود و رمضانعلی شوپای جویباری، (۱۳۹۵). دانشنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات میزان
- انصاری مهیاری، علیرضا و حسینی، زهرا سادات و شمس، شهناز (۱۴۰۲). جایگاه حق بر سلامت در حقوق بین‌الملل، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ‌عامه، تهران
- آل کجباف حسین. مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۱۳۹۲؛ ۷ (۲۴): ۱۷۰-۱۳۹
- باباخانی، عطیه (۱۳۸۷). جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، بهار و تابستان.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۹۱). حقوق بشر، ترجمه و نگارش حسن شریفی طراز کوهی، تهران: انتشارات میزان
- جاوید، احسان و صابر نیاورانی (۱۳۹۳) قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱، صص ۷۰-۴۷
- جلالی، محمود و علی اصغر آقالر (۱۴۰۲). توسل به بیوتروریسم از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۳، شماره ۴
- دریایی، محمد (۱۳۹۴)، بیوتروریسم در طب غربی، تهران: آرمان رشد.
- رضوی فرد، بهزاد و میثم نوروزی (۱۳۹۶). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه و تحول حقوق بردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، اولین همایش و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.

- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۱). جرم انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول شماره ۱.
- شجاع، جواد، (۱۳۸۷). تحقیق و توسعه‌ی فناوری نانو از نگاه حق بر سلامتی»، تهران، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، پائیز- زمستان، شماره‌ی ۱۴
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: گنج دانش، چاپ سوم.
- فلاح سپاه خاله سر، احمد و فضائی، مصطفی (۱۳۹۸). عقیم سازی اجباری مصداقی از جرم جنایت علیه بشریت در پرتو رویه دادگاه ویژه رواندا، مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، پاییز.
- فلاحی، فاطمه و بهرام مستقیمی و حسین آل کجباف و بهاره حیدری (۱۳۹۴). بررسی مفهوم سلامت در نظریه امنیت انسانی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار.
- فلسفی، هدایت الله، (۱۳۷۰). روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی دوره اول، شماره ۹، بهار.
- فن تیگرو، باربارا (۱۳۸۹). امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجد
- کوکبی سقی فاطمه (۱۳۹۵). قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌الملل، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۱۰ (۳۷): ۳۳-۷
- Alexandra Rimpler-Schmid (2022), EU preparedness and response to chemical, biological, radiological and nuclear threats, <https://www.ecorys.com/case-studies/study-on-eu-preparedness-and-responses-to-chemical-biological-radiological-and-nuclear-cbrn-threats/>
- Cassese, Antonio, International Criminal Law, 2nd Ed., London, Oxford University Press, 2008.
- CESCR, (2000), "The Right to the Highest Attainable Standard of Health", General Comment No.14.
- "Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD)." 18 May 1977.
- "CONVENTION ON THE PROHIBITION OF THE DEVELOPMENT, PRODUCTION AND STOCKPILING OF BACTERIOLOGICAL (BIOLOGICAL) AND TOXIN WEAPONS (BTWC)." 10 April 1972.

- "Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction." 13 January 1993.
- Forman, Lisa, (2007), "A Transformative Power ? The Role of the Human Right to Medicines In Accessing AIDS Medicines - International Human Rights Law , TRIPS and The South African Experience", University of Toronto, Canada.
- Fleck, Dieter. "The Martens Clause and Environmental Protection in Relation to ArmedConflicts." Goettingen Journal of International Law 10.1 (2020): pp.248-249.
- Grover, Anand, (2009), "Report of the Special Rapporteur on the Right to the Highest Attainable Standard of Mental and Physical Health", Human Rights Council, Resolution 11/12 , 31 March 2009.
- Grant Dawson (2022), Options for a Peace Settlement for Ukraine: Option Paper III – Weapons of Mass Destruction, <http://opiniojuris.org/2022/05/06/options-for-a-peace-settlement-for-ukraine-option-paper-iii-weapons-of-mass-destruction/>
- Kloss, Diana, (2005), *Occupational Health Law*, Oxford, Blackwell Publishing , Fourth Edition.
- Michael Crowley, Malcolm Dando (2024). Regulation of toxins and bioregulators under the Chemical Weapons Convention and the Biological and Toxin Weapons Convention, *Journal of Biosafety and Biosecurity*
- Morakinyo O. Adetutu a,b, Simona Rasciute (2024). Pollution, severe health conditions, and extreme right-wing ideology: A tale of three contemporary challenges, journal homepage: www.elsevier.com/locate/ecolet
- Schmitt, Michael N. "The Environmental Law of War: An Invitation to Critical Reexamination." *United States Air Force Academy Journal of Legal Studies* 6 (2020): 237-272.
- Rome Statute of the International Criminal Court." 17 July 1998.